

«بنویسیم یا ننویسیم، اصلاً چرا بنویسیم؟»

دکتر علی میرعمادی

۱- مقدمه:

یکی از مشکلات اساسی جوامع بشری به ویژه جوامع شرقی عدم دور اندیشی و پیش بینی وقوع حوادث قبل از وقوع و تحقق آن است. در جوامع شرقی عمدتاً شیوهٔ معالجه از روش پیشگیری متداول تر و مطلوب تر است غافل از آنکه ریشهٔ بسیاری از ناهنجاری‌های روانی و اجتماعی موجود در بزرگسالان را باید در گذشتهٔ آنها جستجو کرد. کج خلقی‌های پدران و مادران، زورگویی‌ها و تحکم‌های اطرافیان، شیوه‌های غلط آموزشی و تربیتی، تحمیل کج اندیشی‌ها و مغلطه‌ها و سفسطه‌های بزرگتران بر کودکان و نوباوگان، عدم حسن استفاده از توانایی‌های بالقوهٔ کودکان و شم زبانی آنها و بسیاری از علل و عواملی که مسبب ناهنجاریهای اجتماعی است ریشه در کودکی و به ویژه در دوران طفولیت دارد. روانشناسان معمولاً عوامل را در روندهای غیر منطقی و نادرست تربیتی می‌جویند ولی از عوامل آموزشی به طور اعم و تأثیر فرامین تجویزی دستور نویسان سنتی به طور اخص غافلند. شکی نیست که کودکان به عنوان یک اصل مسلم زبانی و با استفاده از بهره‌گیری از توانش زبانی (Competence) خود می‌کوشند تا از طریق تعمیم (generalization) قواعد تجویزی را بهبود بخشند و به نظام بخشی (regularization) زبان همت گمارند.

یکی از مشکلاتی که دانش‌آموزان دبستانی با آن روبرو هستند تأکید بیش از حد و بهتر بگوئیم غیر ضروری بر بیان بر این است که دانش‌آموز الزاماً باید علامت تشدید (´) را در مورد کلماتی چون تحمّل، تأمل،... و غیره بکار برند و اگر از این فرمان تجویزی سرپیچی کنند نهایتاً از مجموع نمرات مثبت آنها، تعدادی نمرهٔ منفی کسر خواهد شد. این مشکل باعث و انگیزه‌ای برای انجام این تحقیق بود. داستان پدید آمدن این انگیزه از این قرار بود که فرزند اینجانب، دانش‌آموز کلاس پنجم ابتدایی، خسته و وامانده از تلاشهای آموزشی روزانه خود به خانه آمده و یک راست به اطاق خود

رفت. کاغذ و کتاب را به یک سو پرتاب کرده، کفش و کلاه را به کناری انداخت و با بستن در اطاق خود بین خود و دیگران حایلی را بوجود آورد. با قیچی کردن کاغذها و پراکنده ساختن آنها سعی کرد وضعیت مطلوب در حالت پریشان خود بوجود آورد. به زیر پتو رفت و وانمود کرد که خواب است اما بدنش که از ترس می لرزید نشان می داد که او بیدار است. تلاش والدین در مراحل اولیه جهت بررسی و کشف علت این حرکت ناموزون بجایی نرسید. بالاخره پس از تأمین دادن های بیش از حد اطرافیان، کودک از لاک خود بیرون آمد و ورقه دیگته خود را که حدود چهارده الی پانزده علامت + قرمز در آن دیده می شد به بیرون اطاق انداخت. نمره ۱۲ که در گوشه ای از ورقه مزبور نوشته شده بود حکایت از آن می کرد که این دانش آموز مجموعاً هشت نمره منفی بخاطر عدم رعایت علامت تشدید از دست داده است. مادرش با لحنی تند و پرخاش گونه او را مورد عتاب و خطاب قرار داد و گفت: «مگر صدبار به تو ای کودن،... نگفتم که کلمات محبت، مذلت، اتحاد، اتفاق و... مشدد هستند؟» و طفل با ترس و لرز اما با جسارت گفت: «بنویسیم یا ننویسیم، اصلاً چرا بنویسیم؟ اگر باید بنویسیم، پس چرا این علامت لعنتی (منظور علامت ۷) است) را در کتابهای داستان بکار نمی برند و اگر نباید بنویسیم، پس چرا این علامت را در کتابهای درسی می گذارند و خانم معلم هشت نمره بخاطر همین علامت از من کسر می کند؟ من که علت نوشتن آن را نمی دانم». مقاله حاضر تحقیقی است که با کمک یکی از دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی* انجام گرفته و بر لزوم یا عدم لزوم نوشتن علامت تشدید (۷) در زبان فارسی تأکید دارد.

اما قبل از آنکه به بررسی نتایج تحقیق پردازیم، لازم است بین برخی از مفاهیمی که در این رابطه بکار رفته است تمایز قایل شویم.

از دیدگاه زبانشناسی بین آنچه اصطلاحاً «صدا» (Sound) و «حرف» (Letter) گفته می شود تفاوت وجود دارد. «حروف» نشانه های نوشتاری هستند در حالیکه «اصوات» به گفتار مربوط می شوند. اصولاً بین نشانه های نوشتاری و گفتاری رابطه مستقیم و یک به یک وجود ندارد. به عبارت بهتر، ممکن است چند حرف (مانند «ظ»، «ض»، «ز» و «ذ») دارای یک صدای واحد [z] باشند و یا چند صدا با یک حرف نشان داده شوند. در این تحقیق از نشانه های آوانگار زیر استفاده شده است:

Š	«شام»	در واژه	P	«پدر»
J	«جام»		b	«بدر»
C	«چاله»		m	«مار»
Y	«یک»		n	«نار»
r	«رام»		v	«واژه»
l	«لال»		f	«فتر»

d	«دار»	در واژه	g	«گیره»	در واژه
t	«تار»		k	«کار»	
z	«زار»		x	«خار»	
s	«سار»		q	«غار»	
ž	«ژاز»		h	«هار»	
			?	«عار»	

واج «صداهاى نقش دار زبان، يعنى صداهاىي که سبب تمايز معنى ميان دو واژه يا تکواژ (morpheme) مي گردد» (مشکوة الدينى، ۱۳۶۴، ص ۲۷).

۲- تاريخچه «تشديد» در دستور نويسان سنتي

دستور نويسان سنتي ايراني و به تبع آنها بيگانگان دستور نويس فارسي در اينکه بايد علامت تشديد را بکار گرفت يا نه مردد هستند. در واقع بعضي آن را تجويز مي کنند و عده اي بکار بردن آنرا بي ثمر مي دانند. در اين بخش نگاهی گذرا به اقوال دستور نويسان سنتي در باب «تشديد» خواهيم داشت و آنگاه شيوه و نتيجه تحقيق حاضر را عرضه خواهيم نمود.

«غلامحسين کاشف» در «دستور زبان فارسي» (انتشارات مطبعه شمس ۱۳۲۸) خود، تشديد را در زبان فارسي «نادر الاستعمال» مي داند و از مجموع کلمات مشدد فارسي فقط از واژه هاي برّش، غرّش، بزّنا، کزّنا نام مي برد (ص ۱۵).

ميرزا عبدالعظيم خان قريب در «دستور زبان فارسي» (انتشارات علميه اسلاميه ۱۳۳۸). تشديد را يک اصل مسلم در زبان فارسي دانسته، ضمن آنکه تفاوتی بين صدا (sound) و حرف (Letter) قایل نمی شود می نویسد:

«تشديد چون دو حرف هم جنس در يک کلمه پهلوي يکديگر

واقع شوند، يک حرف را نويسند و روي آن علامت ()

راکه تشديد و يا شده نامند گذارند. حرفي که داراي

تشديد باشد آنرا مشدد نامند: لکه، اژه، تکه»

(ص ۱۰).

غلامحسين آهني در کتاب خود با عنوان «نقد معاني در صنعت نظم و نثر فارسي» (چاپ کتابفروشي تائيد اصفهان ۱۳۳۹، ص ۲۳)، عيوب سخن را سه چيز مي داند:

الف - تصحيف و آن عبارت است از تخفيف مشدد و تشديد مخفف و مثالي از سعدی می آورد که در آن تخفيف «فاء» در شعر زیر جایز نبوده و به تضعیف بیان می انجامد.

گر به شیر است در گرفتن موش ليک موش است در مصاف پلنگ

و یا تخفیف «باء» در شعر زیر از مشدد به غیر مشدد در بیان مقصود سگته‌ای را سبب می‌شود:
 چون خواجه ابوالعباس آمد کارت همه نیک شد سراسر
 در شعر فوق، تخفیف «باء» در کلمه «عباس» به روانی شعر لطمه می‌زند.
 ب - سوء تاویل
 ج - خطا در ترجمه

آهنی در جای دیگر بر همین مقوله اشاره دارد و می‌گوید:
 «بخلاف امثال حق و شک و ظن و سر، که فقط در وقت عدم اضافه مخفف الاخرند والا به مجرد
 اضافه (یا توصیف) فوراً تشدیدشان ظاهر می‌شود:

حق مرا چرا به دیگران می‌دهی؟
 شک بین دو و سه و چهار
 ظن غالب من این است که... (و غیره)

تامل آهنی در این مقوله یعنی پدیدار شدن تشدید به هنگام تأکید ارزشمند و نشانه نگرش عمیق
 او به این پدیده است.

«آهنی» نه تنها تخفیف کلمات مشدد را جایز نمی‌داند بلکه تشدید کلمات مخفف را نیز
 بی اعتبار می‌داند. مثلاً مشدد ساختن «ژ» [Z̤] را در شعر زیر ناروا می‌داند:

که گوید که کژی به از راستی چرا دل به کژی بیاراستی
 «آهنی» تشدید را یک فرایند آوایی می‌داند و تعریفی بر مبنای همین اصل ارائه می‌نماید. به نظر
 او تشدید:

«آن است که حروف مخفف را به تشدید تلفظ نمایند: و برای بیان مقصود خود شعر زیر را از
 ناصر خسرو مثال می‌آورد که در آن حرف «راء» مشدد شده و تلفظ نیز مصداق می‌یابد:

مردم سفله بسان گرسنه گربه گاه بئاله بزار گاه بچرزد
 تاش همی خوار داری و ندهی چیز از تو چو فرزند مهربانت نبرد
 لامبتون (Lambton) نیز در کتاب «دستور زبان» (۱۹۶۳-۱۳۴۱)، مثال‌هایی از زبان عربی
 شاهد آورده و احتمالاً آنرا دلیل بر وجود تشدید در زبان فارسی می‌داند:

إسودّ «سیاه بودن»، انشال «بلند شده»

استقام «برخاستن» ابیض «سفید بودن» (ص ۲۱۱).

«علی اکبر نفیسی» در «فرهنگ نفیسی» (انتشارات خیام، جلد دوم ۱۳۴۳)، تشدید را مأخوذ از
 زبان عربی دانسته و به طور اختصار اشاره‌ای به آن دارد. (ص ۸۸):

«تشدید مأخوذ از تازی - استوار کردگی و نام علامت
 املائی مانند داندانه‌های «سین» که چون آنرا بر

بالای حرفی گذارند آن حرف دو مرتبه خوانده شود».

جالب توجه است که نفیسی وجود علامت تشدید را عاملی برای تلفظ صحیح می‌داند (!!).

«علی اکبر دهخدا» در «لغت نامه» (چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۴۴) که به همت مرحوم استاد معین تدوین یافته و منتشر گردیده نشانه تشدید را مورد بررسی قرار داده و همانند «علی اکبر نفیسی»، تشدید را حرفی می‌داند که سخت تلفظ می‌شود. در لغت نامه آمده است:

«تشدید، خلاف تخفیف (منتهی الارب)... نام کیفیتی است که عارض شده حرف را بوسیله ادغام و تخفیف مقابل آن است (از کشاف اصطلاحات الفنون) - حرفی را سخت تلفظ کردن چنانکه دو حرف نماید چون «واو»... در تنوع شعرای ما همه جا مطرداً هر تشدید را برای ضرورت مخفف آرند و تقریباً استثنایی در این قاعده نیست... در فارسی بسیاری از کلمات مشدد و هم مخفف آیند چون امید، دره، زر، پشه... و این قاعده را فارسی زبانان در شعر نسبت به کلمات عربی هم معمول دارند چون حد، مر، حق، رب و... (ص ۷۰۵)

در تاریخ دستورنویسی، «ضیال‌الدینی سجادی» اولین کسی است که در کتاب خود با عنوان «در مکتب استاد» (انتشارات فروغی، ۱۳۴۵)، تشدید را حاصل عملکرد کش‌های آوایی دانسته، نوشتار را با آن منطبق نمی‌داند. به نقل از ایشان:

«کلمه «امید» کلمه فارسی است و تشدید ندارد و «اومید» هم گفته شده. اگر هم در

تلفظ تشدید بیاوریم در نوشتن نداریم». (ص ۱۸)

همانگونه که ملاحظه می‌شود، سجادی نوشتن تشدید را بهیچوجه در کلمات فارسی صحیح و جایز نمی‌داند.

«ایرج دهقان» در «دستور زبان فارسی برای دبیرستانها» (انتشارات امیرکبیر، ۱۳۴۶)، به تبعیت از متقدمان خود، مقوله «تشدید» را مطرح ساخته و حدوث آنرا به تکرار حرف و حروف مربوط می‌داند ولی از تلفظ کلمات سخنی به میان نمی‌آورد. «دهقان» می‌گوید:

«تشدید - هرگاه دو حرف هم جنس در کلمه‌ای یافته شوند، یکی را می‌نویسند و

علامت (ء) بالای آن می‌گذارند. مانند امید، درّه که کلمه، اول دو «م» و کلمه دوم دو

«ر» داشته است» (ص ۸).

«محمد جواد مشکور» (۱۳۴۶) نیز با عنایت به اینکه «تشدید» ویژه کلمات عربی است، استعمال

آن را در فارسی جایز ندانسته و وقوع آنرا بسیار نادر می‌داند:

«تشدید علامتی است مخصوص کلمات عربی به این صورت (ء) که بر بالای دو

حرف هم جنس قرار گیرد: مانند درّه، ولی در زبان پارسی، تشدید بسیار کم بکار

رود، مانند کلمات: ارّه، برّه، یگّه، تکّه، درّه فرّخ، که در اصل بدون تشدید بوده است

و باید بدون تشدید بکار رود». (ص ۱۳)

بررسی کتب «دستور» و نیز کتب قدیم زبان فارسی یک واقعیت جالب را مبرهن می‌سازد و آن اینکه نویسندگان در نوشتن و یا نوشتن علامت تشدید مردداند. گاهی روی برخی از کلمات تشدید می‌گذارند و در موارد مشابه و حتی کلمات یکسان از قید علامت تشدید خودداری می‌نمایند. برای مثال در کتاب «تاریخ زبان فارسی - صفحاتی از نسخه‌های کهن». (انتشارات بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۴۶) کلمات: الله، متکبّر، ذلت، زهاد، قصه، ایام، اما، صیادان غرّ.

با تشدید آمده‌اند ولی در مورد کلمات و عبارات زیر (برخلاف بکارگیری مشدد آنها در کتب مدارس ابتدایی) علامت تشدید بکار نرفته است:

آخر الزمان، علیهم السلام، عزوجل، محمد، یارب، عباد، صلوات الله علیه، عامه
مصلاها، علیه السلام، ایام.

«تکستن» (Taxton) ۱۹۷۸ به تشدید و اهمیت وجودی آن در زبان فارسی توجه خاص دارد و آنرا بدینگونه تعریف می‌کند: (از درآمدی بر دستور زبان فارسی - تهران - انتشارات سروش - ص ۴۳)

«تشدید (که شده هم خوانده می‌شود) نشان دهنده تکرار یک حرف غیر مصوت است. غیر مصوت‌های مکرر باید به صورت مکرر تلفظ شوند همانگونه که در کلمات مشابه انگلیسی نیز تکرار دو گانه دارد: مثل «bass singer, badday»

به نظر وی حروف مشدد فارسی همانند حروف مرزنشین تکواژهای (morphemes) کلمات انگلیسی فوق عمل می‌نمایند. بدیهی است نظر دستور نویسان فارسی زبان در ارتباط با نقش تشدید کاملاً متفاوت است.

آنچه تکستن را از دیگر دستورنویسان متمایز می‌سازد توجه خاص او به واژه‌هایی است که وجود تشدید در آنها نقش تقابلی دارد. برای مثال:

banna	بنا	در تقابل با	bana	بنا
madde	ماده (عنصر)	در تقابل با	made	ماده (نر)

«تکستن»، متأسفانه نقش تقابلی موجود را به غلط در مورد دو نوع تلفظ مربوط به واژه، «سلام»

نیز تعمیم می‌دهد.

salam	«سلام»	در تقابل با	sallam	«سلام»
-------	--------	-------------	--------	--------

غافل از اینکه این نوع تشدید نقش معنایی نداشته و اهمیت آن در «بار کاربردی» (pragmatic load) آن است. تلفظ اولی نشانه صمیمیت (intimacy) و تلفظ دوم نوع تلفظ عادی و مرسوم و «بی‌نشان» (unmarked) آن واژه است.

علی رغم تشابه اولیه که بین اصوات در کلمات مشدده زبان فارسی و اصوات مرزنشین در زبان انگلیسی (به مثالهای بالا توجه نمائید) قایل است، «تکستن» بکار بردن تشدید را در موارد مشابه تجویز نمی‌کند. به نقل از ایشان:

«تکراری که حاصل ترکیب (compounding) باشد با تشدید نشان داده نمی‌شود بلکه در نوشتار باید هر دو حرف غیر مصوت را تکرار کرد.
برای مثال:

[por - ru]	پرو
[pak - kon]	پاک‌کن
[tiz - zaban]	تیز زبان

جالب آن است که «تکستن» هیچگونه اشاره‌ای به اینکه چرا حروف مشابه در کلمات فوق مشدد نمی‌شوند ننموده است.

«یوری روبین چیک»، (دوره هیجدهم شماره، ۳- ص ۲۷۷) در مقاله‌ای که در مجله سخن (۱۳۴۷) با عنوان «بعضی خصوصیات تلفظ لغات عربی در فارسی» نوشته است چنین می‌نویسد:
«در واژه‌هایی که دو صامت یک جنس در آخر دارند و در اصطلاح مشدد نامیده می‌شوند، قاعده صامت دوم به حساب نمی‌آید یعنی مشدد تلفظ نمی‌شود مگر مضاف واقع شود و یا موصوف واقع گردد: حدّ خانه، فنّ نویسندگی، سدّ بزرگ، ...»
«خسرو فرشید ورد»، در کتاب «دستور امروز» (تهران، انتشارات وحید، ۱۳۴۸)، «تشدید» را مورد توجه قرار داده و در یادآوری ۴، بیان می‌دارد:

«همزه کلماتی مانند نبی، جری، بری، بدل به «ی» و سپس «ی» در «ی» ادغام می‌گردد و کلمه به این صورت در می‌آید: نبی، جری، بری (با تشدید) و تشدید آن نیز تلفظ نمی‌شود». (ص ۲۹۶).

«دکتر بهین دارایی»، در مقاله خود با عنوان «اشتقاق و املاء در فارسی» (نشریه شماره ۱۶ مدرسه عالی دختران ایران ۱۳۵۰)، مقوله تشدید را مورد توجه خاص قرار داده و بین کلمات اصیل عربی و کلمات فارسی تفاوت بسیار قایل است. او معتقد است که بکار بردن علامت تشدید در مورد کلمات عربی لازم و اجتناب از آن غلط و نشانه بی‌مبالاتی است. به گفته ایشان:

«تشدید با کلمات عربی وارد فارسی شده و مقدار کثیری از لغات مشدد عربی، در فارسی متداول گشته است. تشدید نمایشگر وجود دو حرف و راهنمای «شد» تلفظ است. به همین سبب نهادن آن، خواه در عربی خواه در فارسی، واجب و اسقاط آن، غلط املائی و نشانه بی‌مبالاتی است...» (ص ۳۳۰)

«دارایی» بدون آنکه اشاره‌ای به نقش اصوات نماید، ضمن آنکه فراوانی تشدید را در فارسی زیر

سئوال می‌برد، بر این اعتقاد است که «از حروف الفبای فارسی، فقط حرف «ر» استعداد شد دارد. تشدید، در فارسی یک علامت اصیل نیست. زیرا واژه‌های مشدد فارسی، بی تشدید هم بکار رود و توان گفت که بی تشدید درست‌تر است. مثال: بره، برنده، درنده، زر... (ص ۳۳۴).

«دارایی» در همین مقاله: تشدید را حاصل نرم شدن کلمات (؟؟) دانسته و معتقد است که لهجه‌ها و یا ضرورت‌های شعری در نرم شدن کلمات موثرند. نقل مستقیم عبارات نویسنده شاید گویاتر باشد.

«هرگاه لغات مشدد عربی، در فارسی تحت تأثیر لهجه یا به ضرورت شعری، نرم شده باشد، نهادن تشدید بر آن لازم نخواهد بود، زیرا در چنین موارد، تلفظ ملاک است نه صورت اصلی. بسیاری از کلمات مشدد عربی وقتی که در ترکیب فارسی قرار می‌گیرد، نرم و کوتاه می‌گردد و تشدید را از دست می‌دهد. مثال: فلزکاری، ناحق، سرحد، بی شک و...» (ص ۳۳۳).

«دارایی» رابطه بین صورت‌های نوشتاری و گفتاری را در زبان فارسی مورد مذاقه قرار داده و آوردن علامت (ء) را در املاهای فارسی به نحوه تلفظ کلمات وابسته می‌داند. او معتقد است:

«صورت مشدد لغات فارسی، بیشتر در شعر دیده می‌شود به همین سبب در املاهای فارسی، نهادن تشدید به تلفظ بستگی دارد: گاو نر، نزه گوری، پز مرغی، پر خویش در آن دید و...» (ص ۳۳۵).

«دارایی» مشدد ساختن اعداد ترتیبی را در زبان ادبی غلط و نازیبا (؟؟) می‌داند و معتقد است که صورت مشدد این اعداد در شعر دیده می‌شود ولی در نثر موردی ندارد. مثال: یکم، دوم، سوم، ششم، نهم، دهم که بدون تشدید صحیح است. (۳۳۹) ایشان تعداد لغات مشدد فارسی را نادر می‌داند و ضمن ذکر کلماتی مانند فرّخ، غرّش، اژه بکار بردن علامت مصدری عربی را در لغات فارسی ناروا و غلط می‌داند. توصیه ایشان آن است که فارسی زبانها از بکار بردن آنها خودداری نمایند. مثال:

«خوبیّت» غلط است و «خوبی» صحیح «خریّت» غلط است و «خری» صحیح (ص

(۳۴۱)

«دکتر محمد خزائلی»، در کتاب «دستور زبان فارسی» (انتشارات جاویدان ۱۳۵۱) رمز تشدید را در روابط آوایی جستجو کرده و ضمن اختیار یک واژه، معادل یعنی «فشاره» در مقابل شد و «کشیده» در مقابل «مد» می‌گوید:

«هرگاه در آخر سازه‌یی، واژی بی‌آوا، و همان واژه در آغاز سازه دیگر با آوا بیاید، یک واژ می‌نویسیم و در بالای آن نشان شد (فشاره) می‌گذاریم که بر تکرار حرف دلالت کند. مثال:

خرّم، اژه، معلّم، مژی، محقّق (کشیده و زده در حقیقت نام واژه‌هایی است که دارای

این نشانه‌هاست ولی مجازاً خود نشانه‌ها به این نامها نامیده شده است. حرف دارای شد (فشاره) را مشدد (فشرده) می‌نامیم. (ص ۴).

«خزائلی» در پاورقی یادآوری می‌نماید که واژه فشرده در آخر واژه‌های فارسی نمی‌آید جز بندرت آن هم برای وزن شعر مثال:

ایسا مرز ایران عنبر نسیم
که خاکت گرامی تر از زر و سیم

از بحث خزائلی پیرسون «تشدید» چنین برمی‌آید که ایشان بین عربی و فارسی تمایز قایل شده و معتقد است که کلمات عربی مشدد و کلمات فارسی معمولاً غیر مشدد بکار می‌روند و احتمال آن دارد که کلمات فارسی در شعر و به ضرورت شعری مشدد گردند، اگرچه غیر فشرده آنها نیز معمول است. ذکر چند مثال از مثالهایی که ایشان آورده‌اند خالی از لطف نیست:

غمتم در نهانخانه دل نشیند
به نازی که لیلی به محمل نشیند

به یارب یارب شب زنده‌داران
بسه امید دل امیدواران

کلمات «یارب» و «امید» بدون فشاره است.

آن پیک نامور که رسید از دیار دوست
آورد حرزجان ز خط مشکبار دوست

در جای دیگر، خزائلی اشاره دارد که «یاء» مشدد در آخر کلمات عربی وقتی در فارسی بکار

می‌رود «سبک» شده و بدن فشاره نوشته و گفته می‌شود، مانند: تقی، نقی، علی، قوی، غنی.

«عبدالله آریان فر» در «نگرشی انتقادی بر بنیادهای ادبیات آموزشگاهی» (انتشارات توس

۱۳۵۳) تمایز بین لغات عربی و فارسی را مطرح ساخته و ضمن ارائه تعریفی برای تشدید به این

مضمون که «هرگاه دو حرف هم جنس اولی و دومی پیایی هم آیند، یکی را نوشته و نشانه (ء) را

بالای آن می‌گذارند. مانند درّه، لذت، توجه...» معتقد است که علامت تشدید نباید بر حرف آخر

کلماتی چون حق، ظن، مد نوشته شود (ص ۲۰۹-۲۰۸).

«ادیب طوسی» در مقاله خود با عنوان «بحثی درباره زبان فارسی» (مجله ارمغان شماره ۱۳۵۳، ۷)

می‌نویسد:

«برای تشدید نیز علامتی در داخل رسم‌الخط عربی وجود نداشت و ناچار نشانی

برای آن وضع کردند که روی حرف مشدد می‌گذاشتند و در مواردی که نشان آن

نوشته نمی‌شد، خواننده نا آشنا به لغت تشدید کلمه را در نمی‌یافت و از این راه

ممکن است کلماتی مشدد به مرور تلفظ خود را از دست داده باشند و شاید بدین

جهت است بعضی کلمات را که امروزه ما بدون تشدید تلفظ می‌کنیم در نسخ خطی

قدیم مشدد نوشته‌اند» (ص ۳۸۸)

«علی سلطانی» در مقاله‌ای که با عنوان «از کلمه تا کلام» در مجله ادبیات زبانهای خارجی ۱۳۵۴،

منتشر ساخته تعریف تشدید را به تقلید از متقدمان خود آورده و با گذاردن علامت تشدید بر روی

کلماتی چون تکبیر، مزور و غیره تشدید را مخصوص و ویژه کلمات عربی می‌داند و معتقد است که تشدید در زبان فارسی بسیار کم بکار می‌رود. اما آنچه کار «سلطانی» را از دیگران متمایز می‌سازد تأکید وی بر تمایز بین «تشدید» و تکریر است. به نقل از ایشان:

«... حتی برخی از کلماتی که ما آن‌ها را دارای تشدید می‌دانیم در حقیقت تشدید ندارند، بلکه جنس حرفی که دو بار تلفظ می‌گردد نوعی است که به اصطلاح زبان‌شناسی «تکریری» است یعنی نمی‌شود که یک بار تلفظ شود مانند، ر، ز، ش، س.» (ص ۱۲).

«نادر وزین پور» به یک نکته اصلی اشاره دارد که از دید بسیاری از دستور نویسان بدور مانده است و آن این واقعیت است که تشدید و یا علامتی که برای آن در نظر گرفته‌اند متأثر از زبان عربی است. ایشان بکارگیری علامت تشدید را علی السویه می‌داند این نقل قول از ایشان است که:

«تشدید ویژه زبان عربی است و در نوشته‌های کهن فارسی نشان از تشدید وجود ندارد. اما بعدها بر اثر نفوذ زبان عربی استعمال تشدید در فارسی نیز متداول شد. تلفظ این کلمات و همانندشان بدون تشدید نیز درست است. بره، دره، گله، امید و غیره»

(آئین نگارش، دانشگاه سپاهیان انقلاب ۱۳۵۴، ص ۱۳۷)

«میر شمس الدین ادیب سلطانی» در «درآمدی بر چگونگی شیوه خط فارسی» (انتشارات امیرکبیر ۱۳۵۴). بخش نسبتاً مفصلی را به «تشدید» اختصاص داده و ضمن اشاره به مشددها و تعریفی که قدما نیز بر آن مترتب دانسته‌اند می‌گوید:

«به خلاف پندار بعضی، تشدید، چندان کمیاب نیست. مثال، مزه، خوره، درّه، زرین،

پزّه پزان، بران، دۆم، دویم، سوّم سیّم و جز آن» (ص ۴۵)

«ادیب سلطانی» عوامل کاربردی (pragmatics) را نیز در بکارگیری تشدید دخالت داده و معتقد است که برخی از واژه‌ها در گفتگوهای عامیانه فارسی زبانها، به علت تأکید، تشدید می‌گیرند و مشدد می‌شود. از آن جمله است «امید» در برابر «امید، همه» در برابر «همه» و غیره... (ص ۴۵).

«ادیب سلطانی»، روابط اجتماعی را نیز در بکارگیری تشدید مؤثر می‌داند و هر چند از دیدگاه یک زبان‌شناس تجویزی همچون پیشینیان خود از عبارات بی مفهوم «زشت» و «زیبا» استفاده نموده است، معهداً کاربرد تشدید را در روابط کلامی مورد توجه قرار داده است. ایشان فور و شایع بودن تشدید را در زبان فارسی عامیانه به ویژگیهای طبقاتی اجتماعی - اقتصادی ربط می‌دهد و معتقد است که عبارات عامیانه چون «اگه هی» که در بین طبقات خاصی متداول است بار اجتماعی دارد (ص ۴۵).

به نظر ایشان و به نحوی که در دستور توصیفی آمده است، تشدید معمولاً حذف می‌شود مگر در

مواردی که نبود آن دریافت معنی را دشوار می‌سازد. معهداً ایشان بکار بردن علامت تشدید را در فرهنگها و دانشنامه‌ها (دایرة المعارف‌ها) تجویز می‌کند (ص ۴۶).

«ادیب سلطانی» تشدیدپذیری را در حروف متفاوت متفاوت می‌داند و معتقد است که حرف (ر)، قابلیت تشدیدپذیری بیشتری دارد زیرا تشدید «در ذات آن است» علت این پذیرش و انعطاف «لرزانی» بودن آن است (ص ۴۶). وقتی «ر» مشدد می‌شود از لرزان بودن آن کاسته شده و توقف نسبتاً طولانی‌تری را سبب می‌شود (ص ۴۷).

«ادیب سلطانی» معتقد است که در زبانهای ایرانی باستان تشدید وجود نداشته ولی در فارسی میانه نشانه‌های آن زیاد است. مثلاً

[parrag]	پَرّه	[zarren]	زَرّین
[varrag]	پَرّه وَرّه	[farrax]	فَرّخ
		[farraxv]	

و غیره (ص ۴۷)

سلطانی، تا آنجا که نگارنده تحقیق کرده است، اولین کسی است که به مقوله تشدید از دیدگاه ویژگی‌ها و قوانین آوایی پرداخته و زبان‌شناسی را در خدمت توصیف علت پیدایش تشدید بکار گرفته است. نگرش او بر عوامل آوایی و ساختار کلماتی که در آنها تشدید ملحوظ می‌گردد جالب و در نوع خود از ابتکار و نوآندیشی خاصی برخوردار است. (۴۹-۴۵)

«عزیزالله جوینی» در «فرهنگ مجموعه الفرس» (انتشارات بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۵۶) به ذکر مختصری درباره تشدید بسنده نموده و برخی از عبارات و کلمات بدون تشدید را نقل کرده است. برای مثال کلمات: الله، متقدم، ماورالنهری، نامرتب، اما، نقاش را بدون تشدید بکار برده اما در مورد کلمه «کخّال»، علامت تشدید را رعایت کرده است.

«نورالله ایزدپرست»، در «دستور زبان فارسی» (انتشارات دانش پژوه ۱۳۵۹)، آثار سعدی را از نظر نکات دستوری بررسی کرده و در مجموع چهارده اسم و سه صفت و یک مصدر را با تشدید آورده است:

اسم‌ها: اَرّه، بَچّه، بَرّه، پَشه، تَپّه، تَکّه، چَکّه، دَرّه، دَرّه، مَرّه، کَرّه، کَلّه، کَلّیه
 صفات: جَرّ، جَرّم، فَرّخ.
 مصدر: غَزیدن (ص ۵۴)

«مهرداد اوستا» (۱۴۸) نیز تشدید را در زبان فارسی جایز ندانسته و معتقد است که تشدید در زبان فارسی وجود نداشته است. ایشان می‌نویسند:

«هرگاه چنین کلماتی مانند «اره، دره» می‌بینیم یکی تداخل لهجه‌های تازی در پارسی بوده است و دیگر عدم رعایت عوام در تلفظ صحیح کلمات. وگرنه «اره،

درّه، بَرّه، درّه، و بره بوده است و درست آن است که همین شکل تلفظ شوند نه
 آنگونه که مردم عامی تلفظ می‌کنند. چنانکه دوم و سوم، همه و همیشه به غلط دوم و
 سوم و همه و همیشه می‌گویند.» (ص ۲۳).

معهدا «اوستا» بکارگیری تشدید را در نظم و به ضرورت شعری و در جهت رعایت وزن لازم
 دانسته است اگرچه اشاره نکرده است که آیا منظور ایشان بکارگیری علامت تشدید است و یا تلفظ
 مشدده کلمات که خواه ناخواه به تناسب و به تبعیت از وزن شعر تولید می‌شود. در مثال زیر که ایشان
 نقل کرده است کلمات مشدده می‌شود:

امیدوار بود آدمی به خیر کسان مرا به خیر تو امید نیست شرم‌رسان
 مراد در زیر ران اندر کمیتی کشنده نی و سرکش نی و توسن

(روش تحقیق در دستور زبان و آئین نگارش ۱۳۴۸)

«حسن احمدی گیوی»، در «ادب و نگارش» (انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی ۱۳۶۳) همان
 تعاریف ارائه شده توسط قدما را در مورد تشدید تکرار می‌کند و برای این امر نیز تأکید دارد که
 تشدید در زبان فارسی بسیار نادر است. (ص ۸۷ و ۱۳).

«عباسعلی مولوی»، در «راهنمای ادبیات فارسی» (چاپ پنجم ۱۳۶۵)، ضمن ارائه تعریف‌های
 متعارف از «تشدید» و ذکر این نکته که «در واقع کلمه‌های مشدده در اصل دارای دو حرف همجنس
 می‌باشند که به دنبال یکدیگر واقع می‌شوند، اولی ساکن و دومی متحرک»، «تشدید» در آخر کلمه را
 جایز ندانسته ولی در کلماتی مانند آزه و معلم و غیره ملحوظ می‌دارد. آنگاه به شرح تفصیلی تشدید
 در زبان عربی پرداخته و اوزان آنها را بر شمرده است. (ص ۱۲).

«محمد جواد شریعت»، در «دستور زبان فارسی» (۱۳۶۷ و ۱۳۶۴ چاپ اول) تعریفی مشابه با
 دیگران ارائه می‌نماید و اظهار می‌دارد که در فارسی تشدید نادر است اما در عربی فراوان. «شریعت»
 «یاء» پایان کلمه را مشدده می‌داند. مثلاً دنیوی، شرقی، غربی، حجازی، هاشمی، علوی ولی کلمات
 مشابه فارسی مشدده نیستند. مانند پهلوی و اصفهانی و غیره. ایشان قاعده‌ای برای پیدایش تشدید
 نقل می‌کند با این عبارت که «کلماتی که بر اوزان فَعَال، فَعَال، فَعَال، فَعَاله باشد حرف دوم آنها مشدده است
 مثل: کتّاب، صدیق، قصاب، علامه...» و سپس می‌افزاید «کلماتی که بر اوزان مَفْعَل، تَفَعَّل باشد حرف
 سوم آنها مشدده است. مثل: محصّل، محمّد، تَرَفَع).

متأسفانه «شریعت»، با امتزاج «حرف» و «صدا» و در هم‌ریختگی آنها، طرز تشخیص تشدید را از
 راه گوش می‌داند و می‌نویسد «بر روی حرف مشدده تکیه می‌کنند و آن را مانند دو حرف تلفظ
 می‌کنند.» (ص ۶۶).

«مهدی درخشان» شاید اولین دستورنویسی باشد که مقوله تقابل (Contrast) را در وجود و یا
 عدم وجود تشدید دخالت داده باشد. معهدا علل فونولوژیک آن را تشریح نکرده است. «درخشان»

نیز، همانند دیگران، به مقوله تشدید با دید تجویزی نگاه کرده است. نمونه زیر از ایشان نقل می‌شود:

«کلمات عادی، قَضَات (جمع قاضی) و ماده (در برابر نر) و فوق العاده همه بی تشدید هستند و گفتن آنها به صورت عَادَى، قَضَات، مَادَه و فوق العَادَه (با تشدید) غلط است». (ص ۱۳).

و سپس بدون ذکر علت می‌نویسد که «کلمه امید با تشدید حرف میم و بی تشدید آن هر دو صحیح است» (ص ۱۵) و در صفحه ۵۸ همان کتاب می‌افزاید که «عامه - به معنی عموم و همگی - خواندن این واژه نیز بر وزن «نامه» و «خامه» درست نیست. باید آن را با تشدید «میم» و بر وزن «شامه» خواند» برای تأیید نظر خود مثالهای دیگری نیز آورده است.

برخورد «علی اصغر فقیهی» (دستورهای املاء و انشاء، انتشارات اسماعیلیان تهران بدون تاریخ) با مقوله تشدید جالب و تازه است و شایسته است که مورد عنایت بیشتری قرار گیرد. ایشان «تشدید» را به معنی سخت کردن و شاید گفتن حرف می‌داند و معتقد است که وقتی دو حرف هم جنس پهلوی هم قرار گیرند آنها را در یکدیگر فشار می‌دهیم و به صورت یک حرف در می‌آوریم و برای نشان دادن این تغییر و تحول علامت (ـ) را روی آن می‌گذاریم (ص ۲۰). آنگاه می‌افزاید «در این کلمات باید علامت تشدید (ـ) روی حرف مشدد گذاشته شود و حذف آن جایز نیست» (ص ۲۰) و علت تأکید بر آن را نیز چنین می‌نویسد «... زیرا تشدید می‌فهماند که حرف مشدد بجای دو حرف تلفظ می‌شود، پس حذف تشدید به منزله حذف یک حرف از یک کلمه است» (ص ۲۰). ایشان در همان مورد توصیه می‌کند که «باید در این قبیل کلمات دقت کرد و علامت تشدید روی آنها گذاشت گاهی برای ضرورت شعر، حرف مشدد مخفف می‌شود. در این حال احتیاجی به گذاشتن علامت تشدید نیست» (ص ۲۰).

مرحوم دکتر محمد معین در «فرهنگ فارسی» تعریف تازه‌ای از تشدید ارائه نداده و به مختصری به شرح زیر بسنده کرده است:

«تشدید - ... ۱- تکرار کردن یک حرف، شده دادن به حرف ۲- علامت (ـ) که بر بالای حرفی گذارند و آن نشانه تکرار حرف است»

(ص ۱۰۸۵)

۲۰۱- نگرشی گذرا به کتب متقدمان و ردیابی علامت تشدید در کتب و نسخ قدیمی - در متن به جای مانده از حالات و سخنان شیخ ابوسعید ابوالخیر که به همت ایرج افشار به طبع رسیده است، کلمه «الله» با تشدید به کار رفته اما کلمات «مردد» و «مقرر» که در بسیاری از کتب رایج امروز با علامت تشدید آمده است در آن کتاب بدون تشدید آمده‌اند. (قرن ششم - ص ۷).

- در ترجمه تاریخ طبری ترجمه ابوعلی محمد بلعمی، نسخه مکتوب از اسحاق بن محمد بن عمر بن محمد شرونی به سال (۵۸۶ هـ.ق)، هیچکدام از کلمات مشدد علامت تشدید ندارند. حتی

کلمات مکه، الله موزن، ایوب، عباس، مستحق، متهم، حق، اتفاق، بنی امیه، محمد، عزوجل، خاص، علیه السلام به کرات و دفعات بسیار بدون وجود علامت تشدید به کار رفته‌اند.

- در کتاب «الابنیه عن حقایق الادویه» به خط اسدی طوسی (۴۴۷هـ.ق)، کلمات مضرت، تامل، اتفاق، کمی، المویده، الله، حق دادن، عزوجل، قوت، مضرت، تز و خشک با تشدید بکار رفته‌اند اما کلمات دوم، سیم، همت، بدون تشدید هستند. در یک مورد نیز عبارت «تروخشک» بدون تشدید نوشته شده است.

- در تفسیر سوراآبادی (ابوبکر عتیق) که تاریخ کتابت آن به سال (۵۲۳هـ.ق) است تعدادی از کلمات چون رجال، قاره، دیان، سیاحی، ذره‌ای، حقه با علامت تشدید آمده‌اند. اما کلمات رضی الله، مدینه الرسول، محمد، المنته الله، علیه السلام، رب العالمین، خیر و شر، مکه، عزوجل، مذلت، عبودیت بدون تشریح بکار رفته‌اند.

- در «صور الکوکب» با ترجمه خواجه نصیرالدین طوسی وبه خط او، چند کلمه چون مصور، ثریا با تشدید و بسیاری از کلمات و عبارات چون «بسم الله الرحمن الرحیم» الحمدالله، تامل، محمد، الطاهرین، منجمان، حمد الشاکرین، سیم، دوم، اما، معظم، جبار، خواص، متقدم، فلابه، دب اکبر، مقدم و در یک مورد نیز کلمه «ثریا» بدون علامت تشدید نوشته شده‌اند.

- در کتاب «اغراض الطیبه و المباحث العلائیه» اثر سید اسماعیل جرجانی (۷۸۹هـ.ق)، کلمات ذیل به صورت مشدد آمده‌اند:

فن الاغراض الطیبه، المباحث الاعلائییه، حد طب، کیفیت، تصرف،

اتفاق، طبی، اول، ضد یکدیگر، خاصه، عزوجل، مدت، اما

- در «هدایته المتعلمین» از ابو حکیم ربیع احمد الاخوانی النجاری (۴۷۸هـ.ق)، کلمات اما، مدت، مرکب، دهم، حد آدمی، متقدمان، قوت، الا، کیفیت، تزی با تشدید آمده‌اند اما کلمات سیم، دوم، سیوم بدون تشدید قید شده‌اند نظر به اینکه در این تحقیق تغییر و تحول شدید در طول تاریخ زبان فارسی مراد نیست لذا به اشاراتی از قبیل آنچه در بالا آمده است بسنده می‌شود.

۳- روش تحقیق

باتوجه به این موضوع که نویسندگان کتب درسی دوره دبستانی بر گذاشتن علامت تشدید بر کلمات مشدد اصرار داشته و به تبع آنها معلمان نیز رعایت قید علامت تشدید را در نوشتار در حقیقت نوعی وحی منزل دانسته و تخطی از آن را مستوجب عقوبت بسیار، لذا توجه و عنایت ویژه‌ای به واژه‌هایی داشتیم که منحصرأدر کتب فارسی دوره دبستانی (از اول تا پنجم ابتدایی) به کار رفته‌اند. شیوه گردآوری اطلاعات لازم به شرح ذیل بوده است:

۱- تمام کلمات مشدد کتابهای فارسی اول تا پنجم ابتدایی فیش برداری و استخراج گردید و

سپس آوانگاری شدند

۲- واژه‌های معادل غیر مشدد احتمالی مربوط به واژه‌های بند ۱ فوق، تحریر و آوانگاری شد و اگر معنایی بر آنها مترتب بود شناسایی و ضبط گردید.

۳- از مجموع داستانهای کوتاه که برای دانش‌آموزان مقاطع سوم ابتدایی و پنجم ابتدایی تدوین یافته‌اند یک داستان برای مقطع سوم ابتدایی و دیگری برای دانش‌آموزان مقطع پنجم ابتدایی اختیار شد. در مجموع چهار متن فراهم آمد:

متن A = مخصوص پنجم ابتدایی با علامت تشدید

متن A' = مخصوص پنجم ابتدایی بدون علامت تشدید.

متن B = مخصوص سوم ابتدایی با علامت تشدید.

متن B' = مخصوص سوم ابتدایی بدون علامت تشدید.

۴- در هر مقطع (سوم ابتدایی و پنجم ابتدایی) دو نفر دانش‌آموز ممتاز و دو نفر دانش‌آموز ضعیف (به تشخیص آموزگار مربوط) انتخاب شدند.

۵- از دانش‌آموزان خواسته شد که متون مربوط را بخوانند. صدای آنها جهت ردیابی وضعیت صداهای مشدد ضبط گردید. نحوه عمل به این ترتیب بود:

دانش‌آموز «الف» (ممتاز): داستان A

دانش‌آموز «ب» (ضعیف): داستان A

دانش‌آموز «ج» (ممتاز): داستان A'

دانش‌آموز «د» (ضعیف): داستان A'

در مقطع پنجم ابتدایی

دانش‌آموز «ه» (ممتاز): داستان B

دانش‌آموز «و» (ضعیف): داستان B

دانش‌آموز «ز» (ممتاز): داستان B'

دانش‌آموز «ح» (ممتاز): داستان B'

در مقطع سوم ابتدایی

هدف از تنوع متون، کنترل حافظه و نقش آن در یادآوری علامت تشدید و نیز کنترل نقش آموزش رسمی بود.

۶- در ارتباط با تقابل‌های رایج و تأثیرپذیری بافت کلامی (discoursal context) در تلفظ صحیح آنها جملات زیر تدوین و از دانش‌آموزان مذکور در بالا خواسته شد جملات پس از روخوانی دانش‌آموزان مشخص ساختن نقش «بافت کلامی» در معنی‌دار ساختن کلمات بدون توسل به علامت تشدید بود. از طرفی نقش «تکیه» (stress) نیز مورد مذاقه قرار گرفت.

الف - حسن آقا، پسر همسایه ما، به کار ساختمان‌سازی علاقه بسیار داشت و بالاخره هم یک بنا شد.

ب- وقتی آقا شیره به دنبال پلنگ صورتی گذاشت، پلنگ صورتی شروع به دویدن کرد و پس از دو ساعت دویدن به حیاطی که یک بنای بزرگ داشت رسید.

ج- می‌دانید که وقتی جایی از بدن زخم می‌شود و خون می‌آید، پس از مدتی خون لخته می‌شود. کودکان باید مواظب باشند که وقتی دستشان زخم شد با دله‌ای که روی آن بوجود آمده بازی نکنند تا خوب شود.

د- هیچکس از منوچهر که سابقاً در همسایگی ما زندگی می‌کرد خوشش نمی‌آید زیرا او آدم بسیار دله‌ای است.

ه- برای تصفیه خون بدن، هر انسان دارای دو کلیه است. ما باید مواظب کلیه‌های خود باشیم.

و- آموزگار وارد کلاس شد و کلیه دانش‌آموزان از جا برخاستند.

ز- حمله‌ی عراق به کشور کویت مسأله‌ی حادی را در جهان بوجود آورده است.

ح- تقریباً همه فلزات هادی جریان الکتریسته هستند.

۷- صداهای مشابه در کلمات مشدد در جداول خاص پیاده شد تا بافت آوایی آنهایی را که احتمالاً در پیدایش «تشدید» و مشدد شدن صدا نقش دارند شناسایی و مشخص گردند.

۴- سؤالات و فرضیه‌ها

تنوع واژه‌های مشدد و فراوانی آنها در گفتار حاکی از آن است که به طور قطع و بدون تردید «تشدید» در گفتار ظاهر می‌شود و سخنگویان زبان فارسی بر وجود آنها علم دارند. دلیل بارز آن این است که فارسی زبانها چه کوچک و چه بزرگ تشدید را به صورت سیستماتیک تولید می‌کنند و در تولید آن با هیچگونه مشکلی روبرو نیستند. اما در اینکه آیا علامت تشدید در نوشتار عاملی برای روان خوانی و صحیح خوانی کلمات و واژه‌های مشدد باشد جای تأمل است. در این راستا سؤالات زیر قابل طرح است:

الف- سؤالات

۱- به چه علت صداهای یکسان در بعضی از کلمات به صورت مشدد و در برخی دیگر به صورت غیر مشدد تلفظ می‌شوند در حالیکه بافت آوایی (phonological environment) آنها شبیه است؟ برای مثال چرا واژه «وقت» را به صورت [vaqt] «دقت» را به صورت [deqqat] و «لغت» را به صورت [loqat] تلفظ می‌کنیم در حالیکه تلفظ واژه آخر به صورت [loqqat] نارواست؟

۲- نقش علامت تشدید (ء) چیست؟ آیا صحیح خوانی واژه‌های نوشتاری مقید به وجود علامت تشدید است؟

۳- آیا تفاوت بین واژه‌های مشدد و واژه‌های شبیه غیر مشدد معنی ساز است؟ در حقیقت آیا تشدید نقش «واجی» (phonemic) دارد؟

ب - فرضیه‌ها

- ۱- تشدید در زبان فارسی نقش کارساز یا در حقیقت نقش واجی دارد.
- ۲- تشدید حاصل یک قاعده فونولوژیک زبانی است و طبق یک قاعده استثناء ناپذیر و به صورت ناخودآگاه مورد استفاده سخنگویان قرار می‌گیرد.
- ۳- تشدید هیچگونه نقش واجی نداشته و وجود یا عدم وجود آن در نوشتار هیچ تأثیری در روان‌خوانی و تلفظ صحیح ندارد.

هـ- بررسی تشدید از دیدگاه آواشناسی

طبق یک اصل کلی زبانشناسی و حتی یک اصل مسلم جهان شمول غیر زبانی، مفاهیم و داده‌ها در یک چهارچوب کلی و در تقابل با یک دیگر معنی دار می‌شوند. به عبارت بهتر دو چیز که دارای مشخصه‌های یکسانی هستند هرگز در تقابل با یکدیگر قرار نمی‌گیرند و ایجاد تمایز نمی‌نمایند. ذکر یک مثال می‌تواند بیانگر این واقعیت باشد. فرض کنید در جهان هستی، به غیر از خالق هستی، تنها یک کره زمین وجود داشته باشد و تنها یک انسان که در آن زیست می‌کند. سؤالی که مطرح می‌شود این است که این جهان خاکی و تنها انسانی که در آن است در تقابل با چه چیز قرار می‌گیرد؟ طبیعی است که «خالق» در تقابل با «مخلوق» معنی دار می‌شود. اما «زمین» چه مفهومی دارد؟ در این مورد تخیلی، مفهوم «زمین» بی‌معنی و بی‌اعتبار است زیرا کره دیگری خلق نشده تا در تقابل با کره زمین قرار گیرد. همین سیاق بر رابطه بین موجودی چون «انسان» مصداق می‌یابد. چون «حیوان» خلق نشده تا در تقابل با «انسان» قرار گیرد، مفهوم «انسان» بی‌معنی است. همین مقوله را می‌توان در موارد دیگر نیز تعمیم داد.

در آواشناسی نیز مقوله قیاس و تقابل یک اصل مسلم است. مثلاً واژه «سگ» [sag] در لهجه تهرانی با تلفظ همان واژه به صورت [seg] در لهجه اصفهانی در تقابل قرار نمی‌گیرد زیرا تفاوت واکه [a] و [e] معنی ساز نیست، بدین معنی که تغییر معنایی حادث نمی‌شود و تفاوت در حد تفاوت لهجه‌ها خلاصه می‌گردد. حال اگر دو واژه «حق» [haq] و «هق» [heq] در عبارت «هق حق کردن» را در زبان فارسی مورد مذاقه قرار دهیم، تفاوت [a] و [e] معنی ساز و یا به تعبیری که در این مقاله بکار گرفته شده «کارساز» است.

وجود و یا عدم وجود یک نشانه و یا در ارتباط با آن یک «صدا» sound وقتی می‌تواند ممیز باشد که ایجاد تفاوت معنایی کند. به عبارت دیگر، بین دو واژه که در یکی وجود آن اثبات و در

دیگری انکار می‌شود تفاوت معنایی وجود دارد. این تمایز را می‌توان در بسیاری از واژه‌های فارسی مشاهده کرد. برای مثال در کلمات فارسی زیر تفاوت واجی بین واژه‌ها گویا و کارساز است و از این روست که آنها را در تقابل باهم می‌توان مطرح ساخت:

[bid]	«بید»	در تقابل با	[bim]	«بیم»
[biz]	«بیز»	در تقابل با	[biš]	«بیش»
[bin]	«بین»	در تقابل با	[bix]	«بیخ»

و مثالهایی از این قبیل اندک نیست.

در مورد کلمات مشدد و غیر مشدد، به استثنای تعداد معدودی از کلمات، این تقابل وجود ندارد و وجود یا عدم وجود آن (در تلفظ) معنی ساز نیست. برای روشن تر شدن موضوع، این کلمات را به سه دسته تقسیم می‌کنیم. دسته اول کلماتی هستند که در تقابل با یکدیگرند. دسته دوم شامل کلماتی است که گاه با تشدید و گاه بدون تشدید بکار می‌روند و اگر تقابلی بر آن متصور باشد نوعی تقابل «کارسازی کاربردی» (Pragmatic Usage) است. دسته سوم شامل کلماتی است که در تقابل با یکدیگر نیستند و خلق حالت تقابل را تصنعی و غیر طبیعی است.

[bana]	(به معنی ساختمان) بنا	[banna]	بناکننده ساختمان
[dale]	(آدم کثیف) دله	[dalle]	(ظرف) دله
[kolye]	(عضوی در بدن) کلیه	[kollye]	(تمام، همه) کلیه
[made]	ماده (در مقابل «نر»)	[madde]	(عنصر) ماده

ب - کلماتی که گاهی با تشدید و گاهی بدون تشدید بکار می‌روند:

[mahabbat]	محبت	[mahabat]	محبت
[xatte xoš]	خط خوش	[xate xoš]	خط خوش
[qadde naz]	قدناز	[qade naz]	قدناز
[bacce nakkon]	بچه نکن	[bace nakon]	بچه نکن

ج - کلماتی که همیشه مشدداند و هیچگاه در تقابل با همپایه غیر مشدد قرار نمی‌گیرند. (علامت ستاره نشان دهنده غیر قابل قبول بودن تلفظ کلمه است).

[tappe]	تپه	*[tape]	تپه
[moddat]	مدت	*[modat]	مدت
[ettehad]	اتحاد	*[etehad]	اتحاد
[attar]	عطار	*[atar]	عطار
[jeddiyat]	جدیت	*[jediyat]	جدیت
[mašaqat]	مشقت	*[mašaqat]	مشقت

استدلالات

فرضیه اول صحیح به نظر نمی‌رسد هر چند تعدادی از واژه‌ها مانند:

بنا	در تقابل با	بنا
کمی	در تقابل با	کمی
هادی	در تقابل با	حادی

ظاهراً در تقابل با هم قرار می‌گیرند. اما سؤال این است که اصولاً در چه مواردی واژه‌ها در تقابل با هم قرار می‌گیرند. طبق یک اصل کلی، هرگاه دو صدا (sound) در یک بافت آوایی (phonological Context) یکسان، در تقابل قرار گیرند، تفاوت معنی ایجاد می‌شود و آن تفاوت را «واجی» می‌گویند. در غیر این صورت تقابل موجود یا واجگونه‌ای (alaphonic) و تنها نشانگر وجود یک تنوع است و یا طرف تقابل یک واژه بی معنی است. احتمال آن نیز هست که دو واج نسبت به هم در توزیع تکمیلی (Complementary distribution) باشند و یا هر دو واجگونه به صورت آزاد (variation free) به کار روند که در آن صورت هم تقابل معنایی وجود نخواهد داشت.

برای پی بردن به صحت و سقم این موضوع، لازم است بافت واجی (contextphonological) واژه‌های مشدد مورد بررسی و مذاقه قرار گیرد. به هر حال عدم وجود تقابل در بسیاری از واژه‌های زبان فارسی این حدس را از ذهن دور می‌دارد که تشدید در زبان فارسی نقش واجی دارد. بدیهی است باید دلیلی بر وجود بعضی از تقابل‌ها همانند مثالهای فوق اقامه کرد. به این مهم در بحث‌های بعدی خواهیم پرداخت. یک اصل مسلم را نباید انکار کرد که «در جهان هستی، برای هر استثنای موجود در ارتباط با یک قانون، علی‌الاصول باید قانونی وجود داشته باشد».

فرضیه دوم که بر وجود تشدید به عنوان حاصل یک فرایند فونولوژیک تأکید دارد معقول می‌نماید مشروط بر آنکه عوامل آوایی و مشخصه‌های واجی مؤثر در پیدایش این پدیده شناسایی و تبیین گردد. چند عامل قابل بررسی است:

الف - ممکن است واکه‌های «پیش تشدید» و «پس تشدید» در این امر دخالت داشته باشند. حاصل آوانگاری و استخراج مشددها و تأمل در مصوت‌های به کار رفته در کلیه واژه‌هایی که در کتب فارسی (کتابهای درسی) دوره ابتدایی آمده است جدول شماره ۱ را به دست می‌دهد. در جدول شماره ۲ فراوانی واکه‌های پیش تشدید و پس تشدید در ارتباط با همخوانهای فارسی نشان داده شده است. در جدول شماره ۳، نمودار ترکیبی واکه‌های پیش تشدید و پس تشدید نمایش داده شده است. مقایسه جداول ۱ و ۲ یک مسأله را روشن می‌سازد و آن این است که واکه‌های پیش تشدید و پس تشدید نمی‌توانند در پیدایش صدای مشدد مؤثر باشند. برای مثال همخوان [b] در الگوهای صفحه

بعد:

a _____ i
 a _____ a
 a _____ o
 e _____ e
 o _____ o

مشدد می‌شود و یا همخوان [d] در بافت‌های فونولوژیک زیر قابل رویت و به صورت مشدد بکار رفته است:

e __ i a __ i a __ e
 e __ e a __ e o __ a
 e __ a a __ o

وجود شرایط مساوی و یکسان وجود قواعد حشوی (redundancy) را به ذهن متبادر نمی‌سازد. اما آنچه جالب به نظر می‌رسد علل فراوانی بعضی از همخوانها و فراوان نبودن برخی دیگر از آنها به صورت مشدد است. برای مثال چرا فراوانی تشدید در مورد همخوانهای [g] [ẓ] [ṣ̌] (تا آنجا که به واژه‌های متداول در کتب فارسی دبستانی مربوط می‌شود) «صفر» و در مورد همخوانهای [c] [i] [p] [ʔ] [h] نادر است اما فراوانی تشدید در همخوانهای [d] [s] [m] [r] نسبتاً زیاد است؟

نکته جالب‌تر اینکه چرا واکه [i] (پیشین، بالایی، گسترده، سفت) فقط همخوان مشدد [y] را بدنبال دارد و یا چرا واکه [u] (پسین، بالایی، مدور، سفت) فقط همخوان [m] را به جایگاه پس از خود می‌طلبد؟ چرا واکه [a] (پیشین، پائینی، گسترده، نرم) و... واکه [o] (پسین، میانی، مدور، نرم) بیشترین فراوانی همخوانهای مشدد زبان فارسی را به همراه دارند؟

واکه پیش تشدید	جایگاه همخوان	واکه پس تشدید	تنوع و فراوانی همخوانها
i	-	$\left\{ \begin{array}{c} e \\ a \\ o \\ a \end{array} \right\}$	y y y y
e	-	$\left\{ \begin{array}{c} i \\ e \\ a \\ o \end{array} \right\}$	d,m,l b,t,d,k,n,l,s,z d,q,m,l,f,s,z v
a	-	$\left\{ \begin{array}{c} i \\ e \\ a \\ a \\ o \\ u \end{array} \right\}$	b,d,q,m,l,r p,t,d,k,q,n,l,r,s,z,c,y b,t,d,k,q,n,l,r,f,v,s,z,x b,t,k,q,?,m,n,l,r,j,y d,k,q,m,l,r,f,s,z,j k
a	-	$\left\{ \begin{array}{c} i \\ e \\ a \end{array} \right\}$	s d,r,s s
o	-	$\left\{ \begin{array}{c} i \\ e \\ a \\ a \\ o \end{array} \right\}$	m t,q,l,r,s t,d,m,r,v,h k,l,r,h,j d,v
u	-	$\left\{ \begin{array}{c} i \end{array} \right\}$	m

جدول شماره ۱- فراوانی همخوانهای «مشدد» شده در ارتباط با مصوتهای زبان فارسی

واکه‌های پس تشدید

واکه‌های پیش تشدید

i	e	a	ā	o	u	همخوان مشدد		e	a	ā	o	u
		✓				p		✓				
	✓	✓		✓		b	✓	✓	✓		✓	
	✓	✓		✓		t		✓	✓			
	✓	✓	✓	✓		d	✓	✓	✓		✓	
	✓	✓		✓		k		✓	✓	✓	✓	
						g						
	✓	✓		✓		q	✓	✓	✓		✓	
		✓				?						
	✓	✓		✓	✓	m	✓		✓		✓	
	✓	✓				n		✓	✓			
	✓	✓		✓		l	✓	✓	✓	✓	✓	
		✓	✓	✓		r	✓	✓	✓	✓	✓	
	✓	✓				f			✓		✓	
	✓	✓				v			✓		✓	
	✓	✓	✓	✓		s	✓	✓	✓		✓	
	✓	✓				z		✓	✓		✓	
						š						
						ž						
		✓				č		✓				
				✓		ǰ				✓	✓	
		✓				x			✓			
✓		✓				y		✓	✓	✓	✓	
				✓		h			✓	✓		

جدول شماره ۱-۲ فراوانی واکه‌های پیش تشدید و پس تشدید

<p>— p — æ ε</p>	<p>— b — ε ε æ i a a æ a o o</p>	<p>— t — ε ε æ ε æ æ æ a o ε o æ</p>	<p>— d — ε ε ε i ε æ æ i æ ε æ æ æ o a ε o æ</p>	<p>— q — æ ε æ i æ ε æ æ æ a æ o o ε</p>		
<p>— k — ε ε æ ε æ æ æ æ æ o o a</p>	<p>— g — ∅</p>	<p>— ? — æ a</p>	<p>— m — ε i ε æ æ i æ a æ o o i o æ u i</p>	<p>— n — ε ε æ ε æ æ æ a</p>	<p>— l — ε i ε ε ε æ æ i æ ε æ æ æ a æ o o ε o a</p>	
<p>— r — æ i æ ε æ æ æ æ æ o a ε o ε o æ o a</p>	<p>— f — ε æ æ ε æ o</p>	<p>— v — ε o æ æ o ε o o</p>	<p>— s — ε i ε æ æ ε æ æ æ o a i a ε a æ o ε</p>	<p>— z — ε ε ε æ æ ε æ æ æ o æ a</p>	<p>— š — æ a</p>	<p>— ž — ∅</p>
<p>— č — æ ε</p>	<p>— j — æ a æ o o a</p>	<p>— y — i ε i æ i a i o æ ε æ a</p>	<p>— h — o æ o a</p>			

قرائت	بنّا	حادی	بنای بزرگ	کلیه	دله	کلید	کلیه	هادی
صحیح	۷۰	۲۶٪	۲۱٪	۲۱٪	۱۳	۲۰٪	۱۹٪	۲۲٪
غلط	۱۶	۶	۲۱	۲۱	۱۰	۳٪	۳٪	۱٪
قرائت	بنّا	حادی	بنای بزرگ	کلیه	دله	کلید	کلیه	هادی
صحیح	۳۰٪	۷۴٪	۹٪	۹٪	۴۶٪	۱۴٪	۱۸٪	۰٪
غلط	۷	۱۷	۲	۲	۱۰	۳	۳	۱

نمودار درصد و فراوانی پاسخ‌های صحیح و غلط در مورد کلمات مشدد و غیر مشدد.
در سطح جمله

چاکتایی	نرم کامی	کامی	لثوی	دندانی	لب و دندان	دولبی
؟	q	k g		t d		p b x - e e - e a - i a - a a - â o - o
				n		m e - i a - o e - a o - i a - i o - a a - â u - i
			r			
			l			
h	x	s z			f v e - a e - o a - e a - a a - o o - e o - o	
			š ž			
			y			

ب - ممکن است بافت‌های هجایی خاص (syllabic context) در زبان فارسی وقوع همخوانهای مشدد را پیش‌بینی کنند. بررسی واژه‌های موجود در کتبی که مورد امعان نظر قرار گرفته‌اند نشان می‌دهد که تشدید در واژه‌های تک هجایی مصداق نمی‌یابد. مگر آنکه واژه ثانویه‌ای که به دنبال یک واژه می‌آید واژه تک هجایی را به یک واژه مرکب دو هجایی تبدیل کند. برای مثال واژه‌های تک هجایی زیر مشدد نیستند:

[haq]	[xat]
[rabt]	[ser]

اما همین واژه‌ها در ترکیبات زیر «مشدد» می‌شوند:

[haqqe mara bede]	«حق مرا بده»
[?ino be an rabttes nade]	«اینو به آن ربطش نده»
[xatte xoši dárád]	«خط خوشی دارد»
[man az serre ?u sar dar nayavardam]	«من از سر او سر در نیاوردم»

بافت‌های هجایی (دو هجایی و بیشتر) و مثالهایی که از کتب فارسی دوره دبستان اختیار شده در جدول شماره ۴ آمده است.

ج - نقش تکیه (stress) در ایجا تقابل و یا پیش‌بینی وقوع تشدید.

این سؤال مطرح می‌شود که چرا واژه به معنای «ساختمان» در تقابل با واژه به معنای «معمار ساختمان» قرار می‌گیرد. بررسی بدوی نشان می‌دهد که آنچه تقابل آفرین است «تشدید» نیست بلکه وجود تقابل مبتنی بر وقوع «تکیه» در هجای اول در مقابل حدوث آن در هجای دوم است. بدین ترتیب که در واژه بنا، همانطور که با علامت «تکیه» نشان داده شده، «تکیه» بر هجای اول همسنگ با تکیه در هجای دوم قرار می‌گیرد، اما در واژه بنا، تکیه بر دو واژه ماده (به معنی عنصر)، تکیه قوی بر روی هجای دوم است. بدین ترتیب که در واژه بنا [bana]، همانطور که با علامت «تکیه» نشان داده شده، «تکیه» بر هجای اول همسنگ با تکیه در هجای دوم قرار می‌گیرد، اما در واژه بنا [banna]، تکیه بر هجای دوم واقع می‌شود. و تکیه‌های روی هجای اول بسیار ضعیف است. یا مثلاً در دو واژه ماده [madde] (به معنی عنصر)، تکیه قوی بر روی هجای دوم است اما در ماده [made] (به معنی جنسیت، مذکر)، تکیه روی هر دو هجا همسنگ است.

CVC - C1V

واژه‌های دو هجایی

مثال: جاده، طب، فن‌ها، تپه، خط، حتی، دره، اره، جثه، بچه، اما، بنا، سکو، تکه، سکه، لکه، مکه، حقه، قاره، بره، قصه، الله، حق، حقی، سن، پله، کله، ماهی، گله، غله، سر، غصه

CVC1- C1VC

جدول شماره ۴ بافت‌های هجائی - واژه‌های مشدد

ادامه جدول شماره ۴

عباس، تبت، جبار، عطار، فعال، امت، بران، اول، حمام، حمال، عمار، همت، ذلت، ملت، خرم، سوم، شلاق، صدیق، شدت، مدت، دکان، مکار، خفت، دوم، دقت، نقال، نقاش، ذرت، غرش، زرین، عفت، قوت، خاص، لذت، عزت، قهار، تجار، حیان، ایام، صیاد.

واژه‌های سه هجایی CVC- CVC1 - C1V (C)

مثال: البته، عبدالله، فتوت، تاسف، تبسم، مجسم، موثر، میسر، مفصل، موذن، منظم، ترحم،

جزئیات، خیریه، جمعیت CVC - CVC1 - C1V (C)

اتفاق، متصل، اتحاد، جدیت، تقدم فنادی، مورخ، درنده، سیاره CV - CVC1 - C1VC

معطل، مرتب، معطر، تشکر، جرقه، توقف، تحقق، مشقت، شخصیت، سمیه، سوریه،

وصیت، موقت، تأمل، تحمل، معرفت، مصمم، محمد، معما، فهم، تخلف، مکلف، تجلی،

تفر، تنفس، تلفظ، حواست، مرخصی، مشخص، ابهت، توجه، تعجب، رعیت

CVC1- C1V- CV

اتکاء، ارابه، مجانی CVC1- C1VC- CVC

امیدوار CVC1- C1VC- CVC

واژه‌های چهار هجایی CV- CVC1- C1V- CV(C)

مثال: مریان، مقدرات، مقدمه، اهمیت، مقننه مقررات، موسسات

CVC1- C1V- CV- CVC

اطلاعات، فعالیت، متحرک CV- CV- CVC1- C1V(C)

متعددی، متعدد، ارومیه، متاثر، ذکر یا، اکثریت، ریاضیات، خصوصیات، ترقیات، تجربیات،

کشفیات

واژه‌های پنج هجایی CV- CVC1- C1V- CV(C)

مثال: مال‌التجاره، مسلحان، موفقیت CV- CV- CVC1-C1V - CVC

علیه السلام

واژه‌های شش هجایی CV- CV- CVC1- C1V- CV -CV

متاسفانه

حال واژه [saku] «سکو» را در جمله «سکو باید بلند باشد» با عبارت [sakkuye boland] در جمله «کی گفته که من از سکوی بلند هراس دارم؟» مقایسه کنید. متوجه می‌شویم که آوردن «تکیه موکد» در عبارت فوق روی هجای دوم باعث می‌شود که همخوان [k] مشدد بشود. مشابه با همین کلمه، عبارت و واژه‌های زیر قابل بررسی و تعمق است:

[sadiq]	«صدیق و امانت‌دار است»
[?o - mid - var]	«جانم تو همیشه باید امیدوار باشی»
[?om - mid - var]	«او همیشه به زندگی امیدوار است»
[?o - mid - var]	«با آمدنت به حیاط امیدوارم کردی»

توجه می‌شود که تغییر محل استقرار تکیه (stress) بر شیوه‌ای که در کلمات بالا آمده نقش معنایی (semantic value) ندارد و البته می‌دانیم که «تکیه» در زبان فارسی نقش واجی ندارد. از طرفی مشدد ساختن واژه‌ها نیز تغییری در معنی ایجاد نمی‌کند. شاید تنها نقشی که بر جابجایی‌ها و مشدد ساختن همخوانهای خاص در این موردها وجود دارد نوعی نقش تأکیدی (emphatic) است که بهیچوجه نقش تقابلی ندارد.

د- آیا علامت «تشدید» در خواندن صحیح مؤثر است

فرضیه: وجود علامت تشدید تأثیری بر خواندن صحیح کلمات ندارد و نبودن آن در متن خلیلی بوجود نمی‌آورد.

آزمایش ۱: برای اینکه به اهمیت نقش علامت تشدید در روخوانی متون فارسی پی ببریم، آزمایشی را به شرح زیر انجام دادیم. دو نفر دانش آموز قوی و دو نفر دانش آموز ضعیف کلاس سوم ابتدایی متنی را که تعدادی کلمه مشدد داشت قرائت کردند. علامت‌های تشدید بر روی کلمات نوشته شده بود (به جدول کلمات در صفحه رجوع شود). دو نفر دانش آموز قوی و دو نفر دانش آموز ضعیف دیگر در مقطع سوم ابتدایی همان متن را قرائت کردند در حالیکه علامت تشدید کلمات به عمد حذف شده بود. متون قرائت شده ضبط گردید و سپس از تلفظ درست و یا غلط آنها آمارگیری بعمل آمد.

آمار به دست آمده نشان دهنده این واقعیت است که دانش آموزان (ضعیف و قوی) در هر دو مورد متن‌های ارائه شده (با علامت تشدید و بدون علامت تشدید) هیچگونه اشتباهی در ارتباط با تلفظ کلمات مشدد نداشتند. در بین دانش آموزان قوی فقط یک نفر حتی با دیدن علامت تشدید کلمه را غلط خواند و سپس با یک بازخوانی سریع کلمه مشدد را تلفظ نمود. یکی از دو نفر دانش آموزان ضعیف که متن با علامت تشدید را قرائت می‌کرد دچار وقفه‌های مکرر شد و هرگاه به کلمات مشدد (راه حلّی، حتّی، مقدّمه، توجّهی) برخورد می‌کرد از تلفظ آنها خودداری می‌نمود. تنها تصویری که می‌توان در این زمینه داشت این است که دانش آموز فوق نوشته این کلمات را هرگز

H	G	F	E	
✓	غ	✓	✓	راه حلی
✓	غ	✓	hxti	حتی
✓	✓	✓	✓	راه حلی
✓	✓	✓	✓	راه حل
✓	غ	✓	✓	مقدمه
✓	✓	✓	✓	قصه
✓	✓	✓	✓	اهمیت
✓	✓	✓	✓	اول
✓	✓	✓	✓	نقاش
✓	✓	✓	✓	نقاش
✓	✓	✓	✓	نقاش
✓	✓	✓	✓	مدتی
✓	✓	✓	hxgi	حتی
✓	✓	✓	✓	اما
✓	✓	✓	✓	توجهی
✓	✓	✓	✓	نقاش
✓	✓	✓	✓	نقاشی
✓	✓	✓	✓	البته
✓	✓	✓	✓	نقاش
✓	✓	✓	✓	نقاش
✓	✓	✓	✓	مدت
✓	✓	✓	✓	حتی
✓	✓	✓	✓	تعجب
✓	✓	✓	✓	نقاش
✓	✓	✓	✓	اول
✓	✓	✓	✓	اولت

نمودار مربوط به خواندن کلمات بدون علامت تشدید

دانش آموزان کلاس سوم

دانش آموزان قوی E F

دانش آموزان ضعیف G H

D	C	B	A	
نمی‌داند	✓	✓	✓	راه حلی
نمی‌داند	✓	✓	✓	حتی
✓	✓	✓	✓	راه حلی
✓	✓	✓	✓	راه حل
نمی‌داند	✓	✓	✓	مقدمه
✓	✓	✓	✓	قصه
✓	✓	✓	✓	اهمیت
✓	✓	✓	✓	اول
✓	✓	✓	✓	نقاش
✓	✓	✓	✓	نقاش
✓	✓	✓	✓	نقاش
✓	✓	✓	✓	مدتی
نمی‌داند	✓	✓	✓	حتی
✓	✓	✓	✓	اما
نمی‌داند	✓	✓	✓	توجهی
✓	✓	✓	✓	نقاش
✓	✓	✓	✓	نقاشی
✓	✓	✓	✓	البته
✓	✓	✓	✓	نقاش
✓	✓	✓	✓	نقاش
✓	✓	✓	✓	مدت
✓	✓	✓	✓	حتی
✓	✓	✓	✓	تعجب
✓	✓	✓	✓	نقاش
✓	✓	✓	✓	اول
نمی‌داند	✓	✓	✓	اولت

نمودار مربوط به خواندن کلمات مشدد

دانش آموزان کلاس سوم

دانش آموزان قوی A B

دانش آموزان ضعیف C D

ضعیف	ضعیف	قوی	قوی	
P	O	N	M	
✓	✓	✓	✓	زکریا
✓	✓	✓	✓	زکریا
✓	✓	✓	✓	زکریا
hasmi	✓	✓	✓	حسی
✓	✓	✓	✓	زکریا
✓	✓	✓	✓	اما
✓	✓	✓	✓	زکریا
✓	✓	✓	✓	حمام
✓	✓	نمی‌داند	✓	مقدمه
✓	✓	✓	✓	زکریا
✓	✓	✓	✓	تعجب
✓	✓	✓	✓	شدت
✓	✓	✓	✓	اولین
✓	✓	✓	✓	زکریا
✓	✓	hes	✓	حس
✓	✓	✓	✓	حتی
✓	✓	✓	✓	عصبانیت
✓	✓	✓	✓	زکریا
✓	✓	✓	✓	زکریا
✓	✓	✓	✓	حمام
✓	✓	✓	✓	زکریا
✓	✓	✓	✓	متعجب
✓	✓	✓	✓	خاصی
✓	✓	✓	✓	توجه
✓	takbir	✓	✓	تکبیر
✓	✓	✓	✓	طب
✓	✓	ع	✓	تجربیات
✓	✓	✓	✓	خصوصیات
✓	✓	✓	✓	راه حلی

نمودار پاسخ در مورد کلمات با علامت تشدید
 کلاس پنجم
 دانش‌آموزان قوی M N
 دانش‌آموزان ضعیف O P

بسیار قوی	نسبتاً قوی	بسیار ضعیف	بسیار ضعیف	
L	K	J	I	
✓	✓	✓	✓	زکریا
✓	✓	✓	✓	زکریا
✓	✓	✓	✓	زکریا
✓	✓	✓	✓	حسی
✓	✓	✓	✓	زکریا
✓	✓	✓	✓	اما
✓	✓	✓	✓	زکریا
✓	✓	✓	✓	حمام
✓	✓	✓	✓	مقدمه
✓	✓	✓	✓	زکریا
✓	✓	✓	✓	تعجب
✓	✓	✓	✓	شدت
✓	✓	✓	✓	اولین
✓	✓	✓	✓	زکریا
✓	✓	✓	✓	حس
✓	✓	✓	✓	حتی
✓	✓	✓	✓	عصبانیت
✓	✓	✓	✓	زکریا
✓	✓	✓	✓	زکریا
✓	✓	✓	✓	حمام
✓	✓	✓	✓	زکریا
✓	✓	✓	✓	متعجب
✓	✓	✓	✓	خاصی
✓	✓	✓	✓	توجه
✓	✓	✓	✓	تکبیر
✓	✓	✓	✓	طب
✓	✓	✓	✓	تجربیات
✓	✓	✓	✓	خصوصیات
✓	✓	✓	✓	راه حلی

نمودار پاسخ در مورد کلمات با علامت تشدید
 کلاس پنجم
 دانش‌آموزان قوی I J
 دانش‌آموزان ضعیف K L

ندیده بود. در مورد بقیه کلمات مشدد مثل نقاش، اؤل و غیره هیچگونه مشکلی نداشت. بررسی مجددی که بر عملکرد این دانش آموز بعمل آمد نشان داد که هر جا سیاق خواندن جمله با توجه به روند منطقی - کلامی پیشرفته است، مشکلی در تلفظ کلمات مشدد حادث نشده است اما در مواردی که دانش آموز نتوانسته این روال منطقی را ردیابی نماید، اشکالات خواندن رخ نموده است. دو نفر دانش آموز قوی و دو نفر دانش آموز ضعیف که متن مشابه را بدون علامت تشدید قرائت می کردند اشتباه تلفظی چندانی نداشتند. تنها در یک مورد یکی از دانش آموزان ضعیف کلمه «راه حلی» [rahe holi] را تلفظ کرد و کلمه مشدد بی علامت «حتی» را بدو غلط و با یک مکث کوتاه به صورت صحیح تلفظ نمود. متأسفانه به علت خرابی دستگاه ضبط، قرائت متن توسط یکی از دانش آموزان قوی به انتها نرسیده است.

نتیجه: مقایسه چهار نفر اول (قوی و ضعیف) که متن با تشدید را خوانده اند با چهار نفر دوم (قوی و ضعیف) که متن بدون علامت تشدید را قرائت کرده اند نشان می دهد که وجود علامت تشدید هیچگونه تأثیری بر خواندن صحیح کلمات توسط دانش آموزان ندارد. فراوانی کلمات صحیح تلفظ شده و ضریب همبستگی بین آنها به حدی است که این استنباط را قویاً مورد حمایت قرار می دهد.

آزمایش ۲: آزمایش دیگری به شیوه آزمایش ۱ در مقطع پنجم دبستان انجام گرفت بدین ترتیب که دو نفر دانش آموز قوی و دو نفر دانش آموز ضعیف متن با علامت تشدید را قرائت کردند و در مجموع حتی یک مورد اشتباه مشاهده نشده است. از متن فوق علامت تشدید حذف گردید و دو دانش آموز قوی و دو دانش آموز ضعیف دیگر به خواندن متن پرداختند. یکی از دانش آموزان قوی و یکی از دانش آموزان ضعیف بدون کوچکترین اشتباهی متن را خواندند. یکی از دانش آموزان قوی کلمه «مقدمه» را [maqdame] با تکیه روی هجای اول خوانده است و کلمه «حس» [hes] را بدون بکار بردن «کسره» قرائت نمود و بدین ترتیب تشدید ظاهر نشده است. یکی از دانش آموزان ضعیف نیز کلمه «حسی» را به لحاظ نامأنوس بودن فرم نوشتاری [hasmi] و کلمه «تکبر» را [takbir] تلفظ نموده است و یک مورد را هم اصلاً تلفظ ننموده است.

نتیجه: در این مقطع نیز همانند مقطع سوم ابتدایی، تشابه پاسخ های ارائه شده و فراوانی کلمات صحیح خوانده شده در مورد دو متن (با علامت تشدید و بدون علامت تشدید) نشان دهنده قوت فرضیه فوق است.

آزمایش ۳: برای آنکه به نقش و اهمیت متن در پیش بینی وقوع تشدید و قوف بیشتری بیابیم آزمایش دیگری تدارک دیده شد. در این آزمایش از کلمات زیر که تقابلی با یکدیگر هستند استفاده

شده و در چهارچوب جملات عرضه گردید.

[haddi]	در تقابل با حادّی	[hadi]	هادی
[kollye]	در تقابل با کلیّه	[kolye]	کلیه
[dalle]	در تقابل با دلّه	[dale]	دله
[banna]	در تقابل با بنا	[bana]	بنا

نتیجه: مقایسه فراوانی کلماتی که صحیح خوانده شده با کلماتی که به غلط تلفظ شده‌اند نشان می‌دهد که تشخیص کلمات تقابلی در سطح جمله دچار اشکال شده و به میزان اشتباهات افزوده است. از طرفی کلمات «دله» (به معنی پست و بی‌حمیت) و «حادّی» (به معنی مشکل و سخت) بیشترین درصد اشتباهات را (به ترتیب ۴۶٪) به خود اختصاص داده‌اند در حالیکه در بقیه موارد تعداد اشتباهات معدود و در مواردی نیز قابل گذشت است.

۶- جمع‌بندی

تحقیق فوق نشان می‌دهد که:

- ۱- نوشتن و قید علامت تشدید در مورد کلمات مشدد بی‌فایده و هیچگونه تأثیری در خواندن صحیح کلمات ندارد.
- ۲- هر قدر بافت متن منسجم‌تر و روابط جملات یک متن منطقی‌تر باشد پیش‌بینی وقوع تشدید آسان‌تر است ولی هرچه از میزان انسجام کاسته شده و متن محدودتر و نهایتاً به سطح جمله میل می‌کند میزان پیش‌بینی آن دشوارتر است. از همین رو میزان اشتباهات فزونی می‌گیرد.
- ۳- تأکید و اصرار معلمان و مربیان آموزش و پرورش بر قید علامت تشدید و فشار بر دانش‌آموزان برای نوشتن آن - اگر به بیماری‌های روان‌پریشی و معلولیت‌های روانی دانش‌آموزان نینجامد - کاری است بی‌حاصل و از نقطه‌نظر اقتصادی نیز مضر.

ضمائم

متن ۱

پدر بزرگ مریم، یک پدر بزرگ استثنایی است. برای اینکه او برای بیشتر مشکلها راه حلی دارد. درست مثل اینکه این راه حلها دارد. درست مثل اینکه این راه حلها را توی آستینش قایم کرده باشد. او حتی سعی کرد برای بازیگوشی نوه اش مریم هم - که به نظر دیگران یک مشکل غیر قابل حل بود - راه حلی پیدا کند. برای همین آنقدر به این مشکل فکر کرد تا اینکه یک راه حل استثنایی به خاطرش رسید. این بود که به سرعت دست به کار شد.

یک روز که مریم کنار پنجره نشسته بود و با سر و صدای زیاد آدامس می جوید، پدر بزرگ کنار او نشست و بدون مقدمه شروع به گفتن یک قصه کرد: «در زمانهای قدیم در کشوری کوچک، پادشاهی زندگی می کرد که بیشتر از هر چیزی به خودش اهمیت می داد. یک روز که پادشاه در قصر خود قدم می زد، ناگهان طوطی سخنگوی او گفت: «پادشاه زیبا و قوی... پادشاه... زیبا... و... قوی.»

پادشاه که از این ستایش ناگهانی غرق در شادی شده بود، دستور داد تا اول طوطی را در یک قفس طلایی بگذارند و بعد بهترین نقاش کشور را به حضورش بیاورند. وقتی نقاش به قصر آمد پادشاه به او فرمان داد که تا عصر همانروز تصویری از او بکشد. نقاش بیچاره که نمی توانست در مدتی به این کمی حتی یک سوسک هم بکشد از پادشاه خواست تا به او مهلت بیشتری بدهد. اما پادشاه به حرف او توجهی نکرد و نقاش بیچاره را با وسایل نقاشی اش در یکی از اتاقهای قصر زندانی کرد...

وقتی داستان به اینجا رسید، پدر بزرگ آهی کشید و گفت: «البته اگر آن نقاش در زمان ما زندگی می کرد، قضیه فرق می کرد و با استفاده از کامپیوتر مشکل او به راحتی حل می شد.»

مریم آدامسش را باد کرد و گفت: «کامپیوتر؟ این دیگر چه جور درسی است؟» پدر بزرگ که از تأثیر حرفهای خود مطمئن شده بود، لبخند زیرکانه ای زد و گفت: کامپیوتر دستگاه مخصوصی است که می تواند مسائل زیادی را حل کند و کارهای جالبی انجام بدهد. برای همین است که اگر آن نقاش در زمان ما زندگی می کرد، می توانست با استفاده از کامپیوتر در مدت بسیار کوتاهی عکس پادشاه را بکشد.»

بعد سوت ناشیانه ای زد و گفت: «فکرش را بکن... کامپیوتر حتی می تواند به جای تو مسئله هایت را حل کند.»

مریم با تعجب پرسید: آخر چطوری؟ مگر او یک آدم است که می تواند مسئله حل کند... راستی بالاخره بر سر آن نقاش چه بلایی آمد؟»

پدر بزرگ گفت: «بهرتر است اول به سؤال اولت جواب بدهم. حالا فکر کن بین... تو برای اینکه یک مسئله را حل کنی به ترتیب چه کارهایی را انجام می دهی؟»

مریم گفت: «اول صورت مسئله را می خوانم، بعد درباره آن فکر می کنم و بعد از اینکه راه حلش

را پیدا کردم، به آن جواب می‌دهم.»

پدر بزرگ که انتظار این جواب درست و حسابی را از یک دختر بازیگوش نداشت، با شادی گفت: «آفرین دخترم، درست گفتی.... کامپیوتر هم تقریباً شبیه به همین کار را انجام می‌دهد. یعنی برای اینکه کامپیوتر مسئله‌ای را حل کند، اول باید صورت مسئله را در اختیار آن گذاشت. این کار به کمک دستگاه‌های ورودی کامپیوتر انجام می‌شود، بعد از اینکه این معلومات وارد کامپیوتر در قسمت حافظه کامپیوتر ضبط می‌شود، بعد در واحدی به نام واحد حساب و منطق عملیات ریاضی و منطقی روی معلوماتی که وارد کامپیوتر شده انجام می‌شود. بالاخره بعد از پایان محاسبات، نتایج بدست آمده از طریق واحد خروجی به بیرون از کامپیوتر هدایت می‌شوند. بنابراین واحدهای تشکیل دهنده کامپیوتر عبارتند از واحد ورودی، واحد حافظه، واحد حساب و منطق، واحد خروجی و واحد کنترل که بر کارهای تمام واحدها نظارت دارد و آنها را کنترل می‌کند.»

مریم دوباره آدامسش را باد کرد و این برای پدر بزرگ یک اخطار جدی بود. بنابراین گفت: «راستی هیچ می‌دانی که تو هم واحد ورودی و خروجی دارد؟» و پیش از اینکه مریم چیزی بپرسد، ادامه داد: «واحد»

متن ۲

امیر منصور به بیماری عجیبی دچار شده بود که هیچ پزشکی نتوانسته بود او را معالجه کند. برای همین خدمتگزارش را به مرو فرستاده بود تا زکریا را به خدمت او بیاورند و چون زکریا حاضر نبود به کشتی سوار شود، دستور داده بود که به زور او را بیاورند.

پس از رسیدن زکریا و همراهانش به بخارا، او بلافاصله به خدمت امیر منصور رفت و مشغول معاینه بیمار شد. در پاهای امیر منصور حسّی نبود و او نمی‌توانست راه برود.

پس از معاینه، زکریا رو به امیر منصور کرد و گفت: «همین حالا معالجه شما را شروع می‌کنم، اما باید دستور بدهید که یک اسب تندرو برای من آماده کنند.»

امیر پذیرفت و به این ترتیب زکریا معالجه را شروع کرد. او امیر منصور را به حمام برد و دستور داد تا همه از آنجا بروند. بعد شربتی به امیر داد و در همان حال که امیر مشغول خوردن شربت بود، آب گرم بر سر و رویش ریخت. بعد از جا بلند شد و بی‌مقدمه شروع به دشنام دادن و بدگفتن به امیر کرد.

امیر منصور که از رفتار زکریا تعجب کرده بود، از شدت عصبانیت حرکتی نکرد و نیم‌خیز شد. زکریا از دیدن اولین نشانه بهبودی بیماری خوشحال شد. چون درست در لحظه‌ای که شربت و گرما بر بیمار تأثیر می‌گذاشت، زکریا با به خشم آوردن امیر اعصاب بی‌حسّ او را به حرکت واداشته بود.

بنابراین یکبار دیگر و با صدای بلندتری فریاد کشید و حتی امیر منصور را تهدید به مرگ کرد. امیر منصور که از شدت عصبانیت سرخ شده بود، بلند شد و چند قدم به طرف زکریا آمد تا از خودش دفاع کند.

آنوقت زکریا نفس راحتی کشید و برای اینکه از خشم امیر در امان بماند از حمام بیرون آمد، بر پشت اسب تندرو پرید و بی درنگ به سوی مرو تاخت.

بعد از رفتن زکریا، نزدیکان امیر به طرف او دویدند. آنها از دیدن امیر که روی پاهایش ایستاده بود و از خشم می لرزید، متعجب شدند و بر علم زکریا آفرین گفتند امیر هم به مقصود زکریا پی برد و برای او پاداش فرستاد.

* * *

«زکریای رازی» در معالجه بیماران روش خاصی داشت. او از نخستین کسانی بود که در ضمن معالجه جسم بیمار، به وضع روحی او هم توجه می کرد.

رازی بیمارانش را از صفاتی مثل تکبر، حسادت و حيله گری بر حذر می داشت و این عادات زشت را دشمن سلامتی بدن می دانست. این پزشک ایرانی با آگاهی از طب خاور دور، دانشش را تکمیل کرد و با استفاده از تجربیات خود و مکتب پزشکی یونان، مکتبی را به وجود آورد که مدت پانصد سال، مبنای کار پزشکان در عرب بود.

با پیشرفت اسلام، نوشته های رازی به اروپا راه یافت و سالهای زیادی در بهترین دانشگاهها تدریس شد.

یکی از خصوصیات رازی تیزهوشی او بود، چنانکه برای هر کاری راه حلی مخصوص داشت. می گویند یکبار درباره محل ساختمان بیمارستان شهر بغداد با او مشورت کردند و خواستند تا رازی محلی مناسب به آنها نشان بدهد. زکریا هم دستور داد تا چند تکه گوش در محله های مختلف آویزان کنند و محلی را برای ساختن بیمارستان انتخاب کنند که گوشت در آنجا دیرتر فاسد شده است.

رازی در سالهای آخر عمر نایبنا شد و دستهایش قدرت خود را از دست داد. اما او از تلاش دست برنداشت. چون همواره با چشم دیگران می خواند و با دست دیگران می نوشت.

متن ۳

۱- تقریباً همه فلزات هادی جریان الکتریسته هستند.

۲- برای تصفیه خون، هر انسان دارای دو کلیه است. ما باید مواظب کلیه های خود باشیم.

۳- هیچکس از منوچهر که سابقاً در همسایگی ما زندگی می کرد، خوشش نمی آید زیرا او آدم

بسیار دله ای است.

- ۴- آموزگار وارد کلاس شد و کلیه دانش آموزان از جا برخاستند.
- ۵- وقتی آقا شیره به دنبال پلنگ صورتی گذاشت، پلنگ صورتی شروع به دویدن کرد و پس از دو ساعت دویدن به حیاطی که یک بنای بزرگ داشت رسید.
- ۶- جمله عراق به کشور کویت مساله حادی را در جهان به وجود آورده است.
- ۷- حسن آقا، پسر همسایه ما، به کار ساختمان سازی علاقه بسیار داشت و بالاخره هم یک بنا شد.

منابع و مأخذ

- آریان فر، عبدالله. «نگرشی انتقادی بر بنیادهای ادبیات آموزشگاهی» انتشارات توسن. تهران ۱۳۵۳.
- آهنی، غلامحسین. «نقد معانی در صنعت نظم و نثر فارسی». کتابفروشی تائید. اصفهان ۱۳۳۹.
- ادیب طوسی. «بحثی درباره زبان فارسی». مجله ارمغان شماره ۷. تهران ۱۳۵۳.
- ادیب سلطانی، میر شمس الدین. «درآمدی بر چگونگی شیوه خط فارسی». انتشارات امیرکبیر. تهران ۱۳۵۴.
- ایزد پرست، نورالله «دستور زبان فارسی». انتشارات دانش. تهران ۱۳۵۹.
- اوستا، مهرداد. «روش تحقیق در دستور زبان و آئین نگارش». مطبوعاتی عطایی. تهران ۱۳۴۸.
- احمدی گیوی، حسن. «ادب و نگارش». انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی. تهران ۱۳۶۳.
- تکستن، ویلم (پسر). «درآمدی بر دستور زبان فارسی». انتشارات سروش. تهران ۱۳۵۷.
- جوینی، عزیزالله. «فرهنگ مجموعه الفرش». انتشارات بنیاد فرهنگ ایران. تهران ۱۳۵۶.
- جرجانی، سید اسماعیل. «اغراض الطیبه و المباحث العلائیه». عکس نسخه مکتوب در سال ۷۸۹ هـ.ق.
- خزائلی، محمد (و ضیاء الدین میر میرانی). «دستور زبان فارسی». انتشارات جاویدان. تهران ۱۳۵۱.
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران. ۱۳۴۴.
- دارابی، بهین. (اشتقاق و املاء در فارسی). نشریه شماره ۱۶ مدرسه عالی دختران ایران تهران ۱۳۵۰.
- دهقان، ایرج. «دستور زبان فارسی برای دبیرستانها». انتشارات امیرکبیر. تهران ۱۳۴۶.
- درخشان، مهدی. «درباره زبان فارسی». چاپ دانشگاه تهران. تهران ۱۳۶۷.
- روبین چیک، یوری. «تلفظ لغات عربی در فارسی». مجله سخن. دوره هیجدهم. تهران ۱۳۴۷.
- سجادی، ضیاء الدین. «در مکتب استاد». انتشارات کتابفروشی فروغی. ۱۳۴۵.
- سلطانی، علی. «از کلمه تا کلام». انتشارات مدرسه عالی ادبیات و زبانهای خارجی تهران. ۱۳۵۴.
- شریعت، محمد جواد. «دستور زبان فارسی». اساطیر. چاپ سوم. تهران ۱۳۶۷.
- کاشف، غلامحسین. «دستور زبان فارسی» انتشارات مطبوعه شمس. اسلامبول. ۱۳۳۸.
- فقیهی، علی اصغر. «دستورهای املاء و انشاء». انتشارات اسماعیلان. چاپ سوم. تهران.
- فرشید ورد، خسرو. «دستور امروز». چاپخانه وحیدیه. تهران. ۱۳۴۸.
- قریب، میرزا عبدالعظیم خان. «دستور زبان فارسی». انتشارات کتابفروشی علمیه اسلامیة. تهران. ۱۳۳۸.
- مولوی، عباسعلی. «راهنمای ادبیات فارسی». انتشارات مولوی. چاپ پنجم تهران ۱۳۶۵.
- معین، محمد. «فرهنگ فارسی». انتشارات امیرکبیر. تهران.

-
- مشکور، محمدجواد. «دستور نامه در صرف و نحو زبان فارسی». مطبوعاتی شرق. تهران ۱۳۴۶.
- نفیسی، علی اکبر. «فرهنگ نفیسی». انتشارات خیام. جل دوم. تهران ۱۳۴۳.
- وزین پور، نادر. «آئین نگارش». دانشگاه سپاهیان انقلاب ایران. چاپ چهارم. تهران ۱۳۵۴.
- Lambton, Ann, K.S (persian Grammar) Cambridge press Britain, 1963.
- Thackston, Jr. (An Introduction to Persian). Soroush, Tehran, 1978.